

بر در شهرستان‌ها



نشان می‌دهد که صنعت نشر به آن شکلی که باید در شهرستان‌ها رشد نکرده است. هر چند در این زمینه، تهران و دیگر شهرها با یکدیگر تفاوتی ندارند و در تهران هم بعضی از ناشران از انتشار کتاب با سرمایه خود شانه خالی می‌کنند. البته در این زمینه باید به ناشر حق داد که به دلیل نبود شرایط مساعد نشر، کمتر ریسک کند و کتابی را با هزینه خود به چاپ برساند. در واقع می‌توان گفت، معضلات حوزه نشر مانند حلقه‌های زنجیر به یکدیگر پیوسته هستند و در این بین، نمی‌شود از ناشر هم ایراد گرفت.

یادمند ادامه داد: آثار داستانی قدرتمندی داشته‌ایم که چون نویسنده مطرح نبوده از سوی ناشر مورد توجه قرار نگرفته است. در حالی که شاید آن کتاب به لحاظ مضمون از کتابی که نویسنده آن از شهرت بیشتری برخوردار بوده قوی‌تر هم باشد ولی چون از سوی ناشر دیده نمی‌شود، مجالی برای چاپ هم پیدا نمی‌کند. با این اوصاف، من تلاش کردم تا برای چاپ رمان اخیر خود هزینه‌ای پرداخت نکنم و موفق هم شدم، به خصوص که زحمت انتظار و بازنویسی چند باره این کتاب را به جان خریدم تا توانستم ناشری برای آن پیدا کنم که با هزینه خود کتاب را به چاپ برساند. از سوی دیگر، متأسفانه مجموعه داستان در شرایط فعلی نزد ناشر با استقبال مواجه نمی‌شود و او تمایل دارد بیشتر به چاپ رمان بپردازد که به نظر من این هم یک معضل در حوزه نشر به شمار می‌رود.

فریبا کریمی نویسنده‌ای از تایباد مشهد:

انجمن‌های ادبی در شهرستان‌ها انگشت شمارند

فریبا کریمی از تایباد مشهد هم نویسنده‌ای است که در باره معضلات نویسندگان در شهرستان گفت: چالش‌های نشر امروز فقط مختص نویسندگان شهرستان نیست و در حال حاضر نویسندگان سراسر کشور با معضلاتی مشابه دست به گریبان هستند و کمتر مورد توجه و حمایت واقع می‌شوند. اما نویسنده در شهرستان به غیر از مشکلات کلی، با مسائل دیگری هم مواجه است. نبود انجمن‌ها و کانون‌های فرهنگی، دسترسی نداشتن نویسندگان تازه کار به فضای آموزش و این که ناچرند از راه دور و به شکل مجازی از کلاس‌های نویسندگی بهره‌مند شوند از جمله این مشکلات است. نمونه آن شهر تایباد است که تعداد انجمن‌های ادبی در آن اندک است. این در حالی است که نباید نقش انجمن‌ها و نشست‌های ادبی را در رونق گرفتن و معرفی آثار نویسندگان بی‌تاثیر دانست.

او اضافه کرد: مضامین آثار من موضوعات اجتماعی و خانوادگی هستند که از زبان زنان روایت می‌شوند. ولی در مجموع، مسائل اقتصادی و اجتماعی در سال‌های اخیر، به ویژه از دوره کرونا به بعد، تأثیرات زیادی بر روی حوزه نشر گذاشته است. به طوری که انجمن‌هایی که از اعضای بالایی برخوردار بودند بعد از کرونا با کاهش اعضا مواجه شدند. علاوه بر این، انگیزه برای نوشتن در بین علاقه‌مندان ادبیات داستانی کم شده و رده سنی ۱۸ تا ۲۵ سال ترجیح می‌دهند به جای آن که وقت خود را در فضای ادبیات و فرهنگ بگذرانند به دنبال معیشت باشند و علاقه‌مندی به رمان و داستان برایشان در حد مطالعه باقی بماند.

سمانه رزاقی مدیر انتشارات نفیر:

ناشران با احتیاط قدم برمی‌دارند

سمانه رزاقی مدیر انتشارات «نفیر» آخرین مصاحبه‌شونده این گزارش است که در حالی که در تدارک آماده‌سازی غرفه خود در نمایشگاه کتاب است در پاسخ به این سوال که چرا اغلب ناشران تمایلی به انتشار کتاب نویسندگان داخلی ندارند گفت: به دلیل فروش ضعیف و نابسامانی‌های اقتصادی که در این سال‌ها در حوزه نشر وجود داشته است، بعضی از ناشران با احتیاط قدم برمی‌دارند و سختگیرانه به انتخاب یک اثر برای چاپ می‌پردازند. ضمن این که توزیع کتاب مهم‌ترین قسمت فعالیت یک ناشر است که در اغلب مواقع، نسبت به این مسئله توجهی نمی‌شود. ما به عنوان ناشری که در تهران فعالیت داریم با معضل پخش مواجه هستیم و می‌بینیم آن‌طور که باید پخش‌های کتاب، از آثار ایرانی و تالیفی حمایت نمی‌کنند. این مسئله باعث می‌شود تا چنین آثاری در سایه قرار بگیرند و دیده نشوند. از سوی دیگر، مخاطبان کتابخوان هم ترجیح می‌دهند بیش از آن که کتاب تالیفی بخوانند به سمت کتاب‌های ترجمه بروند. به دلیل مشکلات مختلف حوزه نشر که به برخی از آنها به شکل گذرا اشاره کردم، اغلب نویسندگان در شهرستان‌های مختلف سعی می‌کنند تا با ناشران تهران ارتباط بگیرند و کتاب‌هایشان را با کمک این گروه از ناشران به چاپ برسانند.

چاپ، تبلیغات و پخش مطلوب بوده است. البته جا دارد که از نشر «نیماز» و آقای شمس هم تشکر کنم که در چاپ نمایشنامه‌هایم با من همکاری کردند و این همکاری هم چنان ادامه دارد. این مترجم درباره یکی دیگر از معضلات حوزه نشر اذعان داشت: بعضی از ناشران فقط به اسم مترجم نگاه می‌کنند و گاه بی آن که حتی مطالعه‌ای نسبت به اثر او داشته باشند آن کار را به چاپ می‌رسانند. نمونه این مسئله کتابی بود که توسط یک ناشر بنام منتشر شد، در حالی که من هم آن کتاب را با نشر دیگری کار کردم، ولی وقتی به مقابله متن کتاب آن مترجم و کتاب خودم پرداختم متوجه شدم که مترجم موضوع کتاب را اشتباه درک کرده و ترجمه غلطی هم ارائه داده است. نکته جالب این که آن کتاب ۱۵۵ صفحه دارد، ولی مترجم آن را در ۲۷۵ صفحه ترجمه کرده است و چیزهایی را در دیالوگ به کاراکتر اصلی اضافه کرده که شخصیت او را جور دیگری نشان داده است. در این کتاب کاراکتر از شخصیتی عبوس برخوردار است، اما در ترجمه آن مترجم، این کاراکتر باطرافینش به شوخی می‌پردازد. بنابراین، این اثر علاوه بر این که ترجمه نادرستی دارد که مترجم هم به دلخواه خود به دخل و تصرف محتوایی در کتاب پرداخته است، اما چون از نام و شهرت برخوردار است ناشر کتاب را چاپ کرده است.

المیرا یادمند نویسنده اهل تبریز:

صنعت نشر در شهرستان‌ها رشد نکرده است

المیرا یادمند اهل تبریز از دیگر نویسندگان است که با او به گفت‌وگو می‌نشینم، او هم مانند سایر نویسندگان مهم‌ترین دست‌انداز بر سر راه نویسندگان ساکن شهرستان را نبود ناشر مناسب عنوان کرد و گفت: با وجود آن که یک کتاب خود را در تبریز و دو کتاب دیگرم را در تهران و کرج به چاپ رسانده‌ام اما همواره با مشکلاتی برای چاپ آثارم مواجه بوده‌ام. به خصوص این که در تبریز کمتر ناشری را پیدا می‌کنیم که حاضر شود با سرمایه خود به چاپ کتاب بپردازد و اغلب ناشران تمایل دارند نویسنده با هزینه شخصی کتاب را منتشر کند. البته این مسئله اگر درباره یک نویسنده کار اولی باشد اشکالی ندارد، ولی گاه ناشر با آن که می‌داند فلان نویسنده چندین کتاب چاپ کرده است باز هم حاضر به سرمایه‌گذاری بر روی کتاب تازه او نیست. این

هم همکاری داشته است. او در پاسخ به این سوال که با وجود تنوع و تکثر آثار ترجمه در شرایط فعلی ناشران چطور می‌توانند به گزینش یک اثر خوب برای چاپ بپردازند تا برآیند آن اثر به نفع ناشر و مترجم باشد؟ اظهار داشت: انتخاب اثر در حال حاضر برای ناشر دشوار شده است و باید در این زمینه به ناشر تاحدودی حق داد. نکته دیگر تبلیغات است که البته در تهران هم تبلیغ و اطلاع‌رسانی بر روی یک کتاب، بستگی به اسم آن مترجم و نویسنده دارد. خود من در این سال‌ها کتاب «حلی» را از یاشار کمال کار کردم که ناشر تنها به گذاشتن یک یا دو استوری در اینستاگرام بسنده کرد و بعد از آن عملاً تبلیغ دیگری روی این کتاب صورت نگرفت. مسئله این است که ما از ناحیه نداشتن کپی‌رایت ضربه خورده‌ایم. کم‌این که خود من چندین کتاب کار کرده‌ام و بعد از انتشار، همان کتاب با ترجمه مترجمان دیگر هم وارد بازار کتاب شده است! طبعاً این مسائل ناشر و مترجم را دلسرد می‌کند. به خصوص این که مترجم اطلاعاتی ندارد که مترجم دیگر هم دارد به ترجمه همان کتاب می‌پردازد. البته در این بین، من سعی کردم با نویسندگانی که می‌خواستیم اثرشان را ترجمه کنیم وارد مذاکره شوم، نمونه آن زولفو لیوانلی بود که من کتاب «بیقراری» او را ترجمه کردم و وقتی موضوع را با او در میان گذاشتم، حاضر شد برای کتاب با ترجمه فارسی یک مقدمه هم بنویسد. یا هم چنین، نویسنده جوان دیگری از ترکیه که وقتی می‌خواستیم کاری از او را ترجمه کنیم از او اجازه گرفتیم و توضیح دادم که در ایران کپی‌رایت وجود ندارد و او هم پذیرفت. به طور کلی، مترجمی هستیم که وقتی می‌بینیم یک مترجم مجموعه آثار یک نویسنده را ترجمه می‌کند، از ترجمه آثار آن نویسنده کنار می‌کشم، چون معتقدم حتماً آن مترجم درباره آثار آن نویسنده به اشرف و تخصص رسیده که می‌خواهد مجموعه آثار او را ترجمه کند. بعضی از بزرگان حوزه ترجمه بر این باورند ترجمه کردن دوباره یک اثر در صورتی ضرورت دارد که چیزی به ترجمه جدید اضافه شود، و گرنه چه لزومی دارد اثری که پیش‌تر توسط یک مترجم به خوبی ترجمه شده دوباره ترجمه شود. اشتی اضافه کرد: درست است که در حوزه نشر با نقصان‌های زیادی مواجه هستیم اما این را هم بگویم که اخیراً کتابی را با همکاری ناشر خوبی در شهر اهواز کار کرده‌ام که از این همکاری رضایت دارم. چون به نسبت دیگر ناشرانی که می‌شناختم سطح کارش به لحاظ کیفیت